قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

القارعة

آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۰۱. سوره القارعه

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

الْقارِعَهُ (۱)

مَا الْقارِعَهُ (۲)

وَ ما أَدْراكَ مَا الْقارِعَهُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَراشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَ تَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَهٍ راضِيَهٍ (۷)

وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هاوِيَهٌ (۹)

وَ ما أَدْراكَ ما هِيَهْ (۱۰)

نارٌ حامِيَهٌ (۱۱)

آشنایی با سوره

۱۰۱- قارعه [کوبنده]

از نام های قیامت است که در سه آیه اول آمده است. قیامت، کوبنده دلهاست با ترس. و کوبنده دشمنان خداست، با عذاب. در این سوره از قیامت و حالت خوشی و ناراحتی نیکوکاران و بدکاران سخن گفته شده است. بعد از سوره ایلاف، در مکه در اوائل بعثت نازل شده و ۱۱ آیه دارد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{الْقارِعَةُ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع

{مَا} مبتدا ثان (دوم) {الْقارِعَةُ} خبر ثان (دوم)، مرفوع یا در محل رفع / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{وَما} (و) حرف اعتراض / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَدْراكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {الْقارِعَةُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع

{يَوْمَ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {يَكُونُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {النَّاسُ} اسم کانَ، مرفوع یا در محل رفع {كَالْفَراشِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر کان، محذوف یا در تقدیر {الْمَبْثُوثِ} نعت تابع

{وَتَكُونُ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {الْجِبالُ} اسم کانَ، مرفوع یا در محل رفع {كَالْعِهْنِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر کان، محذوف یا در تقدیر {الْمَنْفُوشِ} نعت

تابع

{فَأَمَّا} (ف) حرف استیناف / حرف شرط و تفصیل {مَنْ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {ثَقُلَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {مَوازِینُهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَهُوَ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {فِی} حرف جر {عِیشَةٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل / خبر (مَنْ) {راضِیَةٍ} نعت تابع

{وَأَمَّا} (و) حرف عطف / حرف شرط و تفصیل {مَنْ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {خَفَّتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {مَوازِینُهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَأُمُّهُ} (ف) رابط جواب برای شرط / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {هاوِیَةٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع / خبر (مَنْ)

{وَما} (و) حرف اعتراض / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَدْراکَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {ما} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {هِیَهْ} خبر، مرفوع یا در محل رفع / (ه) حرف سکت

{نارٌ} مبتدا مقدّر یا محذوف یا در محل / خبر، مرفوع یا در محل رفع {حامِیَةٌ} خبر ثان (دوم)، مرفوع یا در محل رفع

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

AlqariAAatu.۱

Ma alqariAAatu.۲

Wama adraka ma alqariAAatu.۳

Yawma yakoonu alnnasu kaalfarashi.۴

almabthoothi

Watakoonu aljibalu kaalAAihni almanfooshi.۵

Faamma man thaqulat mawazeenuhu.۶

Fahuwa fee AAeeshatin radiyatin.۷

Waamma man khaffat mawazeenuhu.۸

Faommuhu hawiyatun.۹

Wama adraka ma hiyah.۱۰

Narun hamiyatun.۱۱

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

کوبنده، (۱)

چیست کوبنده؟ (۲)

و تو چه دانی که کوبنده چیست؟ (۳)

روزی که مردم چون پروانه های پراکنده گردند، (۴)

و کوه ها مانند پشم زده شده رنگین شود. (۵)

اما هر که سنجیده هایش سنگین برآید، (۶)

پس وی در زندگی خوشی خواهد بود! (۷)

و اما هر که سنجیده هایش سبک بر آید، (۸)

پس جایش «هاویه» باشد. (۹)

و تو چه دانی که آن چیست؟ (۱۰)

آتشی است سوزنده. (۱۱)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» آن حادثه کوبنده،

«۲» و چه حادثه کوبنده ای!

«۳» و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! [آن حادثه همان روز قیامت است!]

«۴» روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود،

«۵» و کوه ها مانند پشم رنگین حلّاجی شده می گردد!

«۶» امّا کسی که [در آن روز] ترازوهای اعمالش سنگین است،

«۷» در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود!

«۸» و امّا کسی که ترازوهایش سبک است،

«۹» پناهگاهش (هاویه) [= دوزخ] است!

«۱۰» و تو چه می دانی (هاویه) چیست؟!

«۱۱» آتشی است سوزان!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آن کوبنده (۱)

چیست آن کوبنده؟ (۲)

و تو چه می دانی آن کوبنده چیست؟ (۳)

روزی که مردم [در سراسیمگی] چون پروانه های پراکنده اند (۴)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده گردد! (۵)

اما هرکس اعمال وزن شده اش سنگین و باارزش است؛ (۶)

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است، (۷)

و اما هرکساعمال وزن شده اش سبک و بی ارزش است، (۸)

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است، (۹)

و تو چه می دانی هاویه چیست؟ (۱۰)

آتشی بسیار داغ و سوزاناست. (۱۱)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

قارعه چیست قارعه همان روز سخت قیامت است (۱)

همان روز وحشت و اضطراب مرگ که دلهای خلایق را از ترس در هم کوبد و قلب عالم و عالمیان را از هراس در هم شکنند و اوهام و خیالات دنیوی را نابود سازد (۲)

چگونه حالت آن روز هولناک را تصور توانی کرد؟ (۳)

در آن روز سخت مردم مانند ملخ هر سو پراکنده شوند (۴)

و کوه ها از هیبت آن همچون پشم زده متلاشی گردد (۵)

پس آن روز عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد (۶)

در بهشت به آسایش و زندگانی خوش خواهد بود (۷)

و عمل هر کس بی قدر و سبک وزن است (۸)

جایگاهش در قعر هاویه جهنم است (۹)

و چگونه سختی هاویه را تصور توانی کرد؟ (۱۰)

هاویه همان آتش سخت سوزنده و گدازنده است که از کفر و گناه خلق و خشم و قهر خدا افروخته است (۱۱)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

حادثه کوبنده. (۱)

آن حادثه کوبنده چیست؟ (۲)

و تو چه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳)

روزی که مردم مانند پروانه ها پراکنده باشند. (۴)

پس هر کس کفّه های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۵)

پس هر کس کفّه های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۶)

پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۷)

ولی هر کس کفّه های (کار خیرش در) ترازویش سبک باشد، (۸)

پس در آغوش آتش است. (۹)

و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۰)

آتشی سوزان. (۱۱)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آن کوبنده - یا آن روز کوبنده -، (۱)

چیست آن کوبنده؟ (۲)

و چه دانی تو که چیست آن کوبنده؟ (۳)

روزی که مردمان همچون پروانگان پراکنده باشند، (۴)

و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده. (۵)

پس هر که ترازوی کردارش سنگین باشد - کارهای با ارزش داشته باشد -، (۶)

پس او در زندگانی پسندیده و خوشایندی است. (۷)

و اما هر که ترازوی کردارش سبک باشد - کار شایسته نداشته باشد -، (۸)

پس جایگاه او دوزخ است - که در آن سرنگون شود -. (۹)

و تو چه دانی که آن چیست؟ (۱۰)

آتشی است سخت سوزنده. (۱۱)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

قارعه . (۱)

چیست قارعه ؟ (۲)

و تو چه دانی که قارعه چیست؟ (۳)

روزی است که مردم چون پروانگان پراکنده باشند، (۴)

و کوهها چون پشم زده شده . (۵)

اما هر که کفه ترازویش سنگین باشد، (۶)

در یک زندگی پسندیده است. (۷)

و اما هر که کفه ترازویش سبک باشد، (۸)

جایگاهش در هاویه است. (۹)

و تو چه دانی که هاویه چیست؟ (۱۰)

آتشی است در نهایت گرمی . (۱۱)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

درهم کوب (۱)

درهم کوب چیست؟ (۲)

و تو چه دانی که درهم کوب چیست؟ (۳)

روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده باشند (۴)

و کوه ها مانند پشمهای زده باشند (۵)

در آن حال هر کس کفه ها[ی اعمال خیر]ش سنگینی کند (۶)

او در زندگانی پسندیده است (۷)

و اما کسی که کفه هایش سبکی یابد (۸)

بازگشتگاه او دوزخ است (۹)

و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۰)

آتشی است [بس] سوزان (۱۱)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آن کوبنده (۱)

چیست کوبنده (۲)

و چه دانستت چیست کوبنده (۳)

روزی که شوند مردم چون پروانه های پراکنده (۴)

و شوند کوه ها مانند پشم زده (۵)

پس اما آنکه سنگین آید سنجشهایش (ترازوهایش) (۶)

پس او است در زندگی پسندیده (۷)

و اما آنکه سبک گردد ترازوهایش (۸)

پس مادر اوست هاویه (۹)

و ندانستت چیست آن (۱۰)

آتشی است سوزنده (۱۱)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

١ The Catastrophe!

٢ What is the Catastrophe?

٣ What will show you what is the Catastrophe?

۴ The day mankind will be like scattered moths,

۵ and the mountains will be like carded wool.

۶ As for him whose deeds weigh heavy in the scales,

٧ he will have a pleasing life.

٨ But as for him whose deeds weigh light in the scales,

٩ his home will be the Abyss.

١٠ And what will show you what it is?

١١ It is a scorching fire!

ترجمه انگلیسی شاکر

۱) !The terrible calamity)

۲) !What is the terrible calamity)

۳) ?And what will make you comprehend what the terrible calamity is)

۴) ,The day on which men shall be as scattered moths)

۵) .And the mountains shall be as loosened wool)

۶) ,Then as for him whose measure of good deeds is heavy)

۷) .He shall live a pleasant life)

۸) ,And as for him whose measure of good deeds is light)

۹) .His abode shall be the abyss)

۱۰) ?And what will make you know what it is)

۱۱) .A burning fire)

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

(۱) [!The stunning [blow

(۲) ? What is a disaster

(۳) ?[What will make you realize something is going to stun [you

(۴) Some day mankind will act like scattered moths

(۵) !and the mountains seem like tufts of yarn

(۶) So anyone whose scales are weighted down

(۷) [in pleasant living [will land;

(۸) while whoever's scales are light

(۹) will have a Pit to mother him.

(۱۰) What will make you realize what this will be like?

(۱۱) Scorching fire!

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

۱) The Clatterer!)

۲) What is the Clatterer?!)

۳) And what shall teach thee what is the Clatterer!)

۴) The day that man shall be like scattered moths,)

۵) and the mountains shall be like plucked wool-tufts.)

۶) Then he whose deeds weigh heavy in the Balance)

۷) shall inherit a pleasing life,)

۸) but he whose deeds weigh light in the Balance)

۹) shall plunge in the womb of the Pit.)

۱۰) And what shall teach thee what is the Pit?)

۱۱) A blazing Fire!)

ترجمه انگلیسی پیکتال

In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful.

(The Calamity! (۱

(What is the Calamity? (۲

(Ah, what will convey unto thee what the calamity is! (۳

(A day wherein mankind will be as thickly scattered moths (۴

(And the mountains will become as carded wool. (۵

(Then, as for him whose scales are heavy (with good works), (۶

(He will live a pleasant life. (۷

(But as for him whose scales are light, (۸

(The Bereft and Hungry One will be his mother. (۹

(Ah, what will convey unto thee what she is! (۱۰

(Raging fire. (۱۱

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(The (Day) of Noise and Clamor. (۱

(What is the (Day) of Noise and Clamor? (۲

(And what will explain to thee what the (Day) of Noise and Clamor is? (۳

(It is) a Day whereon Men will be like moths Scattered about (۴)

(And the mountains will be like carded wool. (۵

(Then he whose balance (of good deeds) will be (found) heavy (۶

(Will be in a life of good pleasure and satisfaction. (۷

۸) But he whose balance (of good deeds) will be (found) light,

۹) Will have his home in a (bottomless) pit.

۱۰) And what will explain to thee what this is?

۱۱) (It is) a Fire Blazing fiercely!

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux.

۱. Le fracas!

۲. Qu'est-ce que le fracas?

۳. Et qui te dira ce qu'est le fracas?

۴. C'est le jour où les gens seront comme des papillons éparpillés,

۵. et les montagnes comme de la laine cardée;

۶. quant à celui dont la balance sera lourde

۷. il sera dans une vie agréable;

۸. et quant à celui dont la balance sera légère,

۹. sa mère [destination] est un abîme très profond.

۱۰. Et qui te dira ce que c'est?

۱۱. C'est un Feu ardent.

ترجمه اسپانیایی

۱. ¡La Calamidad!

۲. ¿Qué es la Calamidad?

۳. Y ¿cómo sabrás qué es la calamidad?

۴. El día que los hombres parezcan mariposas dispersas

۵. y las montañas copos de lana cardada,

۶. entonces, el autor de obras de peso

۷. gozará de una vida agradable,

۸. miemtras que el autor de obras ligeras

۹. tendrá un abismo por morada.

۱۰. Y ¿cómo sabrás qué es?

۱۱. ¡Un fuego ardiente!

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

۱. Die Katastrophe!

۲. Was ist die Katastrophe?

۳. Und was lehrt dich wissen, was die Katastrophe ist?

۴. An einem Tage, da die Menschen gleich verstreuten Motten sein werden,

۵. Und die Berge wie Streichwolle werden.

۶. Dann wird der, dessen Waage schwer ist,

۷. Ein angenehmes Leben genieكen.

۸. Der aber, dessen Waage leicht ist,

۹. Die Hlle wird seine Mutter sein.

۱۰. Und was lehrt dich wissen, was das ist? –

۱۱. Ein rasendes Feuer.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. La Percotente,

۲. cos' è mai la Percotente?

۳. E chi potrà farti comprendere cos'è la Percotente?

۴. Il Giorno in cui gli uomini saranno come falene disperse,

۵. e le montagne come fiocchi di lana cardata,

۶. colui le cui bilance saranno pesanti

۷. avrà una vita felice;

۸. colui che invece avrà bilance leggere,

۹. avrà per dimora il Baratro.

۱۰. E chi potrà farti comprendere cos'è?

۱۱. E' un Fuoco ardente.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Поражающее!...

۲. И что есть поражающее?

۳. И что даст тебе знать, что такое поражающее?

,В тот день, как люди будут, как разогнанные мотыльки .۴

...и будут горы, как расщипанная шерсть .۵

– ,И вот тот, у кого тяжелы весы .۶

.он в жизни блаженной .۷

– ,А тот, у кого легки весы .۸

."мать его – "пропасть .۹

– ?А что даст тебе знать, что такое она .۱۰

!Огонь пылающий .۱۱

ترجمه ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

.O iddetli bir gürültüyle gelip çatacak, yürekleri koparacak felâket -۱

?Nedir o iddetli bir gürültüyle gelip çatacak, yürekleri kopacak felâket -۲

Ve ne bildirdi sana, nedir o iddetli bir gürültüyle gelip çatacak, yürekleri koparacak -۳
?felâket

.O gün, insanlar, kendilerini ate lere atan, daĺp uçu an pervanelere benzerler -۴

.Ve daĺar, atlm renkli pamuklara dner -۵

.Artk kimin ki terâzilerindeki tarts aŕ gelir -۶

.O, ho nut, râz bir geçimdedir -۷

.Ve fakat kimin ki terâzilerdeki tarts hafif gelir -۸

.Onun, ana kucaǵibi sńacak yeri, ana yurdu, cehennem uçurumudur -۹

۱۰- Ve ne bildirdi sana, nedir cehennem uçurumu?

۱۱- O, pek kzgn bir ate tir.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. Urəkləri dəhşətə salan qiyamət!

۲. Nədir qiyamət?!

۳. Sən nə bilirsən (haradan bilirsən) ki, nədir qiyamət?!

۴. O gün insanlar kəpənək kimi ətrafa səpələnəcək (çəyirtkə kimi bir-birinə qatışacaq);

۵. Dağlar isə didilmiş yun kimi olacaqdır!

۶. (O gün) tərəzisi ağır gələn (yaxşı əmələri pis əməllərdən çox olan) kimsə,

۷. (Cənnətdə) xoş güzəran içində olacaq!

۸. Tərəzisi yüngül gələn (yaxşı əməlləri pis əməllərdən az olan) kimsənin isə,

۹. Məskəni Haviyə (Cəhənnəmin dibi) olacaqdır!

۱۰. Sən nə bilirsən ki, o (Haviyə) nədir?!

۱۱. O çox qızmar bir atəşdir!

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

۱. ک□□ ک□□ان□ والی

۲. ک□□ ک□□ان□ والی کیا □□؟

۳. اور تم کیا جانو □ ک□□ ک□□ان□ والی کیا □□؟

۴. (و□ قیامت □□) جس دن لوگ ایس□ □و□ گ□ جیس□ بک□ر□ □وئ□ پتنگ□

۵. اور پ□ا□ ایس□ □و جائی□ گ□ جیس□ د□نکی □وئی رنگ برنگ کی اون

۶. تو جس ک□ (اعمال ک□) وزن ب□اری نکلی□ گ□

۷. و□ دل پسند عیش می□ □و گا

۸. اور جس ک□ وزن □لک□ نکلی□ گ□

۹. اس کا مرجع □اوی□ □□

۱۰. اور تم کیا سمج□□ ک□ □اوی□ کیا چیز □□؟

۱۱. (و□) د□کتی □وئی آگ □□

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. هغه □کوونک□ (پی□ه)

۲. او □ه ش□ د□ هغه □کوونک□

۳. او تا ته □ه پته ده چ□ □کوونکی (پی□ه) □ه ده (هغه هماغه د قیامت ور□ ده)

۴. هغه ور□ چ□ خلك به لکه د خوارۀ وارۀ شوی ملخانو په شان وی

۵. او غورونه به لکه د شیندل□ شو□ رن□ین□ و□□ په شان وی

۶. پس (په دغه ور□) چ□ د چا (د □ه عمل) تله درنه وی

۷. هغه به په یو □ه راضی ژوند ک□□ وی

۸. او د چا چ□ (د □ه عمل) تله سپکه وی

۹. نو د دۀ (ام، مور) د پناه □ای به "هاویه" وی

۱۰. او تا ته □ه پته ده چ□ "هاویه" □ه ش□ د□؟

۱۱. (هغه) □□ر سو□وونک□ اور د□

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Lêdana (bi zor)yera heye(!.

۲. Ewa (boyera zor, ku dilan çirîne, ewa bûyera heye(!.

۳. Tu ji ku dizanî, ka (bûyera lêdana) zor çîye?

۴. Di wê rojê da meriv wekî wan perperokên (ku di gava rabûnê da ça ji hev belav dibin) ewan jî wusa ji hev belav dibin.

۵. Û çîya jî wekî hirya jenî dibin (ji hev di herikin(.

۶. Îdî kîjan (merivê) ku kêşa wî giranbe.

۷. Ewa di jîneke qayîlbûdane.

۸. Lê kîjan (merivê) ku kê¬şa wî sivikbe.

۹. Îdî di pêşya wî da (doja bi nav) Hawîye heye (ewê here wura(.

۱۰. Tu ji ku dizanî ka (Havîye) çîye?

۱۱. Ewa agirekî sor e.

ترجمه اندونزی

۹(Maka tempat kembalinya adalah neraka Hawiyah.(

۱۰(Dan tahukah kamu apakah neraka Hawiyah itu.(

(۲) (۱۱)(Yaitu) api yang sangat panas.

۳) Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang.(

۴) (۱)Bermegah- megahan telah melalaikan kamu.(

۵) (۲)sampai kamu masuk ke dalam kubur.(

(Janganlah begitu, kelak kamu akan mengetahui (akibat perbuatanmu itu),(۳) (۶

(dan janganlah begitu, kelak kamu akan mengetahui.(۴) (۷

(Janganlah begitu, jika kamu mengetahui dengan pengetahuan yang yakin,(۵) (۸

(niscaya kamu benar- benar akan melihat neraka Jahiim,(۶) (۹

(dan sesungguhnya kamu benar- benar akan melihatnya dengan `ainulyaqin,(۷) (۱۰

kemudian kamu pasti akan ditanyai pada hari itu tentang kenikmatan (yang kamu (megah- megahkan di dunia itu).(۸) (۱۱

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Hari yang menggemparkan, (۱

(Apa dia hari yang menggemparkan itu? (۲

Dan apa jalannya engkau dapat mengetahui kedahsyatan hari yang menggemparkan (itu? - (۳

Hari itu ialah: hari kiamat), hari manusia menjadi seperti kelkatu yang terbang) (berkeliaran, (۴

(Dan gunung-ganang menjadi seperti bulu yang dibusar berterbangan. (۵

Setelah berlaku demikian, maka (manusia akan diberikan tempatnya menurut amal (masing-masing); adapun orang yang berat timbangan amal baiknya, - (۶

(Maka ia berada dalam kehidupan yang senang lenang. (۷

(Sebaliknya orang yang ringan timbangan amal baiknya, - (۸

(Maka tempat kembalinya ialah "Haawiyah" (۹

(Dan apa jalannya engkau dapat mengetahui, apa dia "Haawiyah" itu? (۱۰

(Haawiyah itu ialah): api yang panas membakar. (۱۱)

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

۱. Kiyama

۲. Ni nini Kiyama?

۳. Na nini kitakujulisha ni nini Kiyama?

۴. Siku ambayo watu watakuwa kama panzi waliotawanywa.

۵. Na milima itakuwa kama sufi zilizo chambuliwa.

۶. Basi ama yule mizani yake itakuwa nzito.

۷. Basi yeye atakuwa katika maisha yanayopendeza.

۸. Na ama yule ambaye mizani yake itakuwa nyepesi.

۹. Basi makazi yake yatakuwa Motoni.

۱۰. Na nini kitakujulisha Haawiya ni nini?

۱۱. Ni Moto mkali mno.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۹۴

(۱۰۱) سوره قارعه مکی است و یازده آیه دارد. (۱۱)

[سوره القارعه (۱۰۱): آیات ۱ تا ۱۱] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم.

آن حادثه کوبنده (۱).

و چه کوبنده عظیمی؟! (۲).

و تو نمی دانی که کوبنده چیست؟ (۳).

روزی است که مردم چون ملخ فراری رویهم می ریزند (۴).

و کوه ها چون پشم رنگارنگ حلاجی شده می گردد (۵).

اما کسی که اعمالش نزد خدا سنگین وزن و دارای ارزش باشد (۶).

او در عیشی رضایت بخش خواهد بود (۷).

و اما آنکه اعمالش وزن و ارزشی نداشته باشد (۸).

او در آغوش و دامن هاویه خواهد بود (۹).

و تو نمی دانی هاویه چیست (۱۰).

آتشـــــــــــــــــــــــی اســـــــــــــــــــــت سوزنـــــــــــــــــــــــده (۱۱).

صفحه ی ۵۹۵

بیان آیات این سوره تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن است، ولی جانب تهدیدش بر بشارتش می چربد، و سوره در مکه نازل شده.

[وجه تسمیه قیامت به" قارعه" و تشبیه مردم پس از بر انگیخته شدن، و به توده ملخ

" الْقارِعَةُ مَا الْقارِعَةُ" این جمله مبتدا و خبر است، و کلمه" قارعه" از ماده" قرع" است که به معنای زدن بسیار سختی است که احتیاج دارد زننده به جایی اعتماد کند، و

این کلمه در عرف قرآن از اسمای قیامت است. بعضی گفته اند: بدین مناسبت قیامت را قارعه نامیده که دلها را با فزع شدیدش و دشمنان خدا را با عذابش می کوبد.

و سؤال از حقیقت قارعه در جمله" مَا الْقارِعَةُ- قارعه چیست" با اینکه معلوم است که چیست، به منظور بزرگ نشان دادن امر قیامت است، و اینکه بیست و هشت حرف الفبای گوینده، و دو سوراخ گوش شنونده نمی تواند به کنه قیامت پی ببرد، و به طور کلی عالم ماده گنجایش حتی معرفی آن را ندارد و به منظور تاکید این بزرگداشت مجددا جمله را به تعبیری دیگر تکرار کرد و فرمود:" وَ ما أَدْراکَ مَا الْقارِعَةُ".

" یَوْمَ یَکُونُ النَّاسُ کَالْفَراشِ الْمَبْثُوثِ" کلمه" یوم" ظرفی است متعلق به مقدری از قبیل" بیاد آر"،" می کوبد"" می آید"، و از این قبیل، و خلاصه معنای آن این است که:" بیاد آر روزی را که" و یا" می کوبد در روزی که" و یا" می آید روزی که". و کلمه" فراش" به طوری که از فراء نقل شده به معنای ملخی است که زمین را فرش کند، یعنی روی گرده هم سوار شده باشند، پس فراش به معنای غوغای ملخ است.

بعضی «۱» از مفسرین در اینکه چرا مردم روز قیامت را به فراش تشبیه کرد؟ گفته اند:

برای این است که فراش وقتی جست و خیز می کند نقطه معلومی را در نظر نمی گیرد، مانند مرغان، و به طرف معینی نمی پرد، بلکه بدون جهت پرواز می کند، مردم نیز در روز قیامت چنین حالتی دارند، وقتی از قبورشان سر بر می آورند آن چنان ترس و فزع از همه جهات احاطه شان می کند که بی اختیار و بی هدف

به راه می افتند، و در جستجوی منزلها که یا

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۲.

سعادت است و یا شقاوت سرگردانند. و کلمه" مبثوث" از ماده" بث" است، که به معنای تفرقه است، و" فراش مبثوث" یعنی ملخ های متفرق.

" وَ تَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ" کلمه" عهن" به معنای پشمی است که رنگهای مختلف داشته باشد، و کلمه" منفوش" از مصدر" نفش" است، که به معنای شیت کردن پشم است یا با دست و یا با کمانچه حلاجی، و یا با چیز دیگر. پس" عهن منفوش" به معنای پشم شیث شده ای است که دارای رنگهای مختلف باشد، و این تشبیه اشاره دارد به اینکه در آن روز کوه ها که رنگهای مختلف دارند با زلزله قیامت متلاشی، و چون پشم حلاجی شده می گردند.

" فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ راضِيَةٍ" این آیه اشاره دارد به اینکه اعمال- هم مانند هر چیزی برای خود- وزن و ارزشی دارد، و اینکه بعضی اعمال در ترازوی عمل سنج سنگین است، و آن عملی است که نزد خدای تعالی قدر و منزلتی داشته باشد، مانند ایمان به خدا و انواع اطاعتها، و بعضی دیگر اینطور نیستند، مانند کفر و انواع نافرمانیها و گناهان، که البته اثر هر یک از این دو نوع مختلف است، یکی سعادت را دنبال دارد، و آن اعمالی است که در ترازو سنگین باشد، و دیگری شقاوت را، و ما در تفسیر سوره های قبلی در معنای میزان سخن گفتیم و بحث کردیم.

" فَهُوَ فِي عِيشَةٍ راضِيَةٍ"- کلمه" عیشه"- به کسر عین- نظیر کلمه" جلسه"- به کسر جیم- از مصادیق بنای" فعله" است، که نوعیت را

می رساند، مثلا- جلسه به معنای نوعی نشستن است، و عیشه به معنای نوعی زندگی کردن است، مانند" عیشه راضیه"، یک زندگی خوش، و اگر راضیه و خوشی را به خود عیش نسبت داد، با اینکه صاحب عیش راضی و خشنود است، یا از باب مجاز عقلی است، و یا کلمه" راضیه" به معنای" ذات رضی" و تقدیرش" فی عیشه ذات رضی" است، یعنی در عیشی رضایت بخش.

[معنای اینکه در باره کسی که اعمالش سبک است فرمود:" فامه هاویه"]

" وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ فَأُمُّهُ هاوِيَةٌ" ظاهرا مراد از" هاویه" جهنم است، و نامگذاری جهنم به هاویه از این جهت باشد که این کلمه از ماده" هوی" گرفته شده، که به معنای سقوط است، می فرماید: کسی که میزانش سبک باشد سرانجامش سقوط به سوی اسفل سافلین است، هم چنان که در جای دیگر فرمود:" ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا" «۱».

---

(۱) سپس او را به پایین ترین مرحله باز گرداندیم. مگر کسانی که ایمان آورده اند. سوره تین، آیه ۵ و ۶.

پس اینکه آتش دوزخ را توصیف کرده به هاویه و حال آنکه آتش سقوط نمی کند آتشیان سقوط می کنند، از باب مجاز عقلی است، همانطور که راضی دانستن عیش نیز از این باب بود، و اگر هاویه را مادر دوزخیان خوانده از این باب بوده که مادر، ماوای فرزند و مرجع او است، به هر طرف که برود دوباره به دامن مادر بر می گردد، جهنم هم برای دوزخیان چنین مرجع و سرانجامی است.

ولی بعضی «۱» آیه را طوری دیگر معنا کرده و گفته اند: منظور از کلمه" امه"،" ام رأسه" است، چون کلمه" ام" وقتی

در مورد سر استعمال می شود معنای فرق سر را می دهد، می فرماید: کسی که میزانش سبک باشد فرق سرش هاویه است، یعنی با فرق سر به سوی هاویه سقوط می کند، چون اهل دوزخ وقتی قرار شد داخل دوزخ شوند با فرق سر می افتند.

ولی این حرف درست نیست، برای اینکه اگر اینطور معنا کنیم ضمیر در کلمه" ما هیه" بدون مرجع می ماند.

" وَ ما أَدْراكَ ما هِيَهْ" ضمیر" هیه" به کلمه" هاویه" بر می گردد، و" هاء" زیادی که در آخرش آمده هاء وقف است، و جمله مورد بحث تفسیری است که عظمت و فخامت امر آن آتش را بیان می کند.

" نارٌ حامِيَةٌ" یعنی آتشی است سوزنده و شدید الحراره، این جمله پاسخ استفهام در آیه قبل است، و آن را تفسیر می کند.

بحث روایتی [(چند روایت در معنای برخی آیات گذشته از جمله" فامه هاویه")]

در تفسیر قمی در ذیل آیه" كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ" آمده:" عهن" به معنای پشم است، و در ذیل جمله" وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ" فرموده: یعنی از حسنات سبک باشد، و در ذیل جمله" فَأُمُّهُ هاوِيَةٌ" فرمود: از فرق سرش به طرف آتش پرتاب می شود «۲».

و در الدر المنثور است که ابن مردویه از ابو ایوب انصاری روایت کرده که گفت:

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۲.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۰.

رسول خدا (ص) فرمود وقتی جان مؤمن از کالبدش در می آید از بندگان خدا آنها که اهل رحمتند و قبل از وی مرده بودند به دیدنش می روند، و بشیر که از دنیا با او آمده به اهل رحمت می گوید: مهلت دهید تا خستگی در آورد، او تازه از حال سکرات

راحت شـده. بعـد از رفع خسـتگی از او می پرسـند: فلاـنی چطور شـد، فلاـنی خانم چه کرد؟ آیا ازدواج کرد یا نه؟ به اینگونه احوالپرسـی ها می پردازنـد وقتی احوال مردی را بپرسـند که قبل از تازه وارد مرده باشـد، در پاسـخ می گویـد هیهات او خیلی وقت است که مرده، او قبل از من مرد، می گویند:" إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ" به نظر ما او را به دوزخ نزد مادرش هاویه بردند، چه بد مادری و چه بد مربیه ای «۱».

مؤلف: این معنا را از انس بن مالک و از حسن و اشعث بن عبد اللَّه اعمی از رسول خدا (ص) روایت کرده «۲».

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۸۵.

تفسیر نمونه

سوره قارعه

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است

محتوی و فضیلت سوره قارعه

این سوره به طور کلی از معاد و مقـدمات آن سـخن می گویـد، با تعبیراتی کوبنـده و بیانی تکان دهنـده ، و انـذار و هشـداری صریح و روشن ، و سرانجام انسانها را به دو گروه تقسیم می کند!

گروهی که اعمالشان در میزان عـدل الهی سـنگین است ، و پاداشـشان زندگانی سراسـر رضایت بخش در جوار رحمت حق و گروهی که اعمالشان سبک و کم وزن است و سرنوشتشان آتش داغ و سوزان جهنم .

نام این سوره یعنی ((قارعه)) از آیه اول آن گرفته شده است .

در فضـیلت آن همین بس که در حـدیثی از امام باقر (علیه السـلام) می خوانیم : من قراء القارعه آمنه الله من فتنه الدجال ان یؤ من به ، و من قیح جهنم یوم القیامه ان شاء الله : کسی که سوره قارعه

را بخوانـد خداونـد متعال او را از فتنه دجال و ایمان آوردن به او حفظ می کند، و او را در قیامت از چرک جهنم دور می دارد انشاء الله . <۱>

تفسیر :

حادثه کوبنده !

در این آیات که در وصف قیامت است ، نخست می فرماید: آن حادثه کوبنده ... (القارعه).

چه حادثه کوبنده ای است ؟! (ما القارعه).

و تو چه می دانی که حـادثه کوبنـده چیست ؟ (و مـا ادراک مـا القـارعه). قـارعه از مـاده قرع (بر وزن فرع) به معنی کوبیـدن چیزی بر چیزی است ، به گونه ای که صـدای شدیـد از آن برخیزد تازیانه و چکش را نیز به همین مناسـبت مقرعه گویند بلکه به هر حادثه مهم و سخت ((قارعه)) گفته می شود (تاء تانیث در اینجا ممکن است اشاره به تاءکید باشد).

بـا تعـبیراتی که در آیه دوم و سوم آمـده که حتی به پیـامبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) می گویـد تو چه می دانی آن حـادثه سـخت و کوبنـده چیست ، روشن می شود که این حادثه کوبنـده بقـدری عظیم است که ابعادش به فکر هیچکس نمی رسد.

به هر حال بسـیاری از مفسـران گفته اند که قارعه یکی از نامهای قیامت است ، ولی درست روشن نساخته اند که آیا این تعبیر اشـاره به مقـدمات قیامت می باشـد که عالم دنیا درهـم کوبیـده می شود، خورشـید و ماه تاریک می گردد، و دریاها برافروخته می شود، اگر چنین باشد انتخاب نام قارعه برای این حادثه دلیلش روشن است .

و یا اینکه منظور مرحله دوم ، یعنی مرحله زنده

شـدن مردگـان ، و طرح نوین در عـالم هستی است ، و تعبیر به کوبنـده به خـاطر آن است که وحشت و خوف و ترس آن روز دلها را می کوبد.

آیـاتی که بعـد از آن آمـده بعضـی تنـاسب بـا حادثه تخریب جهان دارد، و بعضـی متناسب با زنـده شـدن مردگان است ، ولی رویهمرفته احتمال اول مناسب تر به نظر می رسـد، هر چند در این آیات هر دو حادثه پشت سـر یکدیگر ذکر شده است (مانند بسیاری دیگر از آیات قرآن که از قیامت خبر می دهد).

سپس در توصیف آن روز عجیب می گوید: همان روزی که مردم مانند

پروانه های پراکنده و حیران و سرگردان به هر سو می روند (یوم یکون الناس کالفراش المبثوث).

((فراش)) جمع ((فراشه)) بسـیاری آن را به معنی ((پروانه)) می دانند، بعضـی نیز آن را به معنی ((ملخ)) تفسـیر کرده اند، و ظاهرا این معنی از آیه ۷ سوره قمر که مردم را در آن روز به ملخهای پراکنده تشبیه می کند گرفته شده (کانهم جراد منتشر) و گرنه معنی لغوی آن همان پروانه است .

به هر حال تشبیه به پروانه به خاطر آن است که پروانه ها معمولا خود را دیوانه وار به آتش می افکننـد و می سوزانند، بدکاران نیز خود را در آتش جهنم می افکنند.

این احتمـال نیز دارد که تشبیه به پروانه اشـاره به حیرت و سـرگردانی خاصـی است که در آن روز بر همه انسانهـا مسـتولی می شود.

و اگر فراش به معنی ملخها باشد تشبیه مزبور به خاطر این است که می گویند بسیاری از پرندگان به هنگام حرکت

دست جمعی در مسیر معینی پرواز می کنند، جز ملخها که در حرکت گروهی مسیر مشخصی ندارند و هر کدام به سوئی پیش می روند!

باز این سؤ ال در اینجا مطرح است که این حیرت و سرگردانی و پراکنده گی و وحشت و اضطراب بر اثر حوادث هولناک پایان جهان است ، و یا آغاز قیامت و حشر و نشر؟

پاسخ این سؤ ال از آنچه در بالا گفتیم روشن می شود.

سپس به سراغ یکی دیگر از اوصاف آنروز رفته می افزاید: و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده خواهد بود (و تکون الجبال کالعهن المنفوش).

عهن (بر وزن ذهن) به معنی پشم رنگ شده است .

و منفوش از ماده نفش (بر وزن نقش) به معنی گستردن پشم است که معمولا به وسیله ابزار مخصوص حلاجی و زدن پشم انجام می گیرد.

سابقا گفته ایم که طبق آیات مختلف قرآن کوه ها در آستانه قیامت نخست به حرکت درمی آیند بعد درهم کوبیده و متلاشی می گردند و سرانجام به صورت غباری در آسمان درمی آیند که در آیه مورد بحث آن را تشبیه به پشمهای رنگین حلاجی شده کرده است ، پشمهائی که همراه تندباد حرکت کنند و تنها رنگی از آنها نمایان باشد، و این آخرین مرحله متلاشی شدن کوه ها است . این تعبیر ممکن است اشاره به رنگهای مختلف کوه ها نیز باشد، چرا که کوه های روی زمین هر کدام رنگ خاصی دارند.

به هر حال این جمله گواه بر آن است که آیات فوق از مراحل نخستین قیامت یعنی مرحله ویرانی و پایان جهان سخن می گوید.

بعد به مرحله

حشر و نشر و زنده شدن مردگان و تقسیم آنها به دو گروه پرداخته ، می فرماید: اما کسی که ترازوهای عملش سنگین است ... (فاما من ثقلت موازینه).

او در یک زندگی سراسر رضایتبخش خواهد بود (فهو فی عیشه راضیه).

و اما کسی که ترازوهایش سبک است ... (و اما من خفت موازینه).

((جایگاه و پناهگاهش دوزخ است)) (فامه هاویه).

((و تو چه دانی هاویه و دوزخ چیست))؟! (و ما ادراک ماهیه). <۲>

آتشی است سوزان ! (نار حامیه).

((موازین)) جمع ((میزان)) به معنی وسیله سنجش است ، این واژه نخست در وزنهای مادی به کار رفته ، سپس در موازین و مقیاسهای معنوی نیز استعمال شده است .

بعضی معتقدند که اعمال انسان در آن روز به صورت موجودات جسمانی و قابل وزن درمی آید، و راستی آنها را با ترازوهای سنجش اعمال می سنجند.

این احتمال نیز داده شده که خود نامه اعمال را وزن می کنند اگر اعمال صالحی در آن نوشته شده است سنگین است و گرنه سبک وزن ، یا بی وزن است . ولی ظاهرا نیازی به این توجیهات نیست ، میزان حتما به معنی ترازوی ظاهری که دارای کفه های مخصوص است نمی باشد، بلکه به هر گونه وسیله سنجش اطلاق می شود، چنانکه در حدیثی می خوانیم : ان امیر المؤ منین و الائمه من ذریته (علیهمالسلام) هم الموازین : امیر مؤ منان و امامان از دودمانش ترازوهای سنجشند. <۳>

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که وقتی از معنی میزان سؤ ال کردند. در پاسخ

فرمود: المیزان العدل !: ترازوی سنجش همان عدل

است . <۴>

به این ترتیب وجود اولیاء الله یا قوانین عدل الهی مقیاسهائی هستند که انسانها و اعمالشان را بر آنها عرضه می کنند، و به همان اندازه که با آنها شباهت و مطابقت دارند وزنشان است !

روشن است که منظور از سبکی و سنگینی میزان به معنی سنگینی خود ترازوهای سنجش نیست ، بلکه وزن چیزهائی است که با آن می سنجند. ضمنا تعبیر به موازین به صورت صیغه جمع به خاطر آن است که اولیای حق و قوانین الهی هر کدام یکی از میزانهای سنجشند، و از این گذشته تنوع صفات و اعمال آدمی ایجاب می کند که هر کدام را با میزانی بسنجند، و الگوها و ترازهای سنجش متفاوت باشد.

راغب در مفردات می گوید: میزان در قرآن مجید گاهی به صورت مفرد، و گاه به صورت جمع آمده ، در صورت اول ناظر به کسی است که حساب می کند، یعنی خداوند یکتا، و در صورت دوم ناظر به حساب شوندگان است .

بعضی از مفسران نیز گفته اند که موازین جمع ((موزون)) است ، یعنی عملی که آن را وزن می کنند، بنابراین سنگین و سبک بودن موازین به معنی سنگین و سبک بودن خود اعمال است ، نه سبک و سنگین بودن ترازوها. <۵>

البته نتیجه هر دو یکی است ولی از دو راه مختلف . در این زمینه شرح بیشتری در ذیل آیه ۸ و ۹ سوره اعراف (جلد ۶ صفحه

۹۰) و همچنین ذیل آیه ۱۰۵ کهف (جلد ۱۲ صفحه ۵۶۷) و ذیل آیه ۱۰۲ سوره مؤ منون (جلد ۱۴

صفحه ۳۲۸) ذکر کرده ایم .

تعبیر به ((عیشه راضیه)) (زندگی خشنود) تعبیر بسیار جالب و رسائی است از زندگی پر نعمت و سراسر آرامش بهشتیان در قیامت ، این زندگی آنقدر رضایت بخش است که گوئی خودش راضی است یعنی بجای اینکه ((مرضیه)) گفته شود برای تاءکید هر چه بیشتر بجای اسم مفعول ، اسم فاعل به کار رفته است . <۶>

و این امتیاز بزرگ مخصوص زندگی آخرت است ، چرا که زندگی دنیا هر قدر مرفه و پر نعمت و تواءم با امن و امان و رضایت و خشنودی باشد باز از عوامل ناخشنودی خالی نیست ، تنها زندگی آخرت است که سراسر رضایت و خشنودی و آرامش و امنیت و مایه جمعیت خاطر می باشد.

تعبیر به ((ام)) در جمله ((فامه هاویه)) به خاطر این است که ((ام)) به معنی ((مادر)) است ، و می دانیم مادر پناهگاهی است برای فرزندان که در مشکلات به او پناه می برند، و نزد او می مانند، و در اینجا اشاره به این است که این گنهکاران خفیف المیزان محلی برای پناه گرفتن جز دوزخ نمی یابند، وای به حال کسی که پناهگاهش جهنم باشد!

بعضی نیز گفته اند معنی ((ام)) در اینجا ((مغز)) است ، زیرا عرب به مغز سر ((ام الراءس)) می گوید، بنابر این معنی آیه چنین می شود که آنها را با سر در جهنم می افکنند، ولی این احتمال بعید به نظر می رسد زیرا در این صورت آیه

بعد ((و ما ادراک ماهیه)) (تو چه می دانی آن چیست) مفهوم درستی نخواهد داشت

.

((هاویه)) از ماده ((هوی)) به معنی افتادن و سقوط کردن است ، و آن یکی از نامهای دوزخ می باشد، چرا که گنهکاران در آن سقوط می کنند، و نیز اشاره به عمق آتش دوزخ است .

و اگر ((ام)) را در اینجا به معنی مغز بگیریم هاویه به معنی سقوط کننده می باشد، ولی تفسیر اول صحیحتر و مناسب تر به نظر می رسد.

((حامیه)) از ماده حمی (بر وزن نفی) به معنی شدت حرارت است و ((حامیه)) در اینجا اشاره به سوزندگی فوق العاده آتش دوزخ است .

به هر حال این جمله که می فرماید: تو چه می دانی هاویه چیست ؟ هاویه آتش سوزان است تاءکیدی است بر این معنی که عذاب قیامت و آتش دوزخ فوق تصور همه انسانها است .

اسباب سنگینی میزان اعمال

بدون شک ، ارزش همه اعمال نیک و صالحات یکسان نیست ، و با هم تفاوت زیادی دارند، و به همین جهت در روایات مختلف اسلامی ، روی پارهای از اعمال خیر، تکیه بیشتری شده است ، و آنها اسباب سنگینی میزان و ترازوی عمل در قیامت شمرده اند.

از جمله در حدیثی ، از پیامبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم که در تفسیر لا اله الا الله فرمود: یعنی بوحدانیته لا یقبل الله الاعمال الا بها، و هی کلمه التقوی یثقل الله بها الموازین یوم القیامه : لا اله الا الله اشاره به وحدانیت خداوند

است و هیچ عملی بدون آن پذیرفته نمی شود، و این کلمه تقوی است که ترازوی سنجش اعمال را در قیامت سنگین می

کند. <۷>

در حدیث دیگری از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) درباره شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است : خف میزان ترفعان منه و ثقل میزان توضعان فیه : ترازوی سنجشی که شهادتین از آن برداشته شود سبک است ، و میزانی که شهادتین در آن گذارده شود سنگین است . <۸>

و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : ما فی المیزان شی ء اثقل من الصلوه علی محمد و آل محمد: در میزان عمل چیزی سنگین تر از درود فرستادن بر محمد و آل محمد نیست و در ذیل روایت می فرماید: افرادی در قیامت در پای میزان عمل قرار می گیرند و کفه اعمالشان سبک است ، سپس درود بر محمد و آل محمد را در آن می نهند و سنگین می شود. <۹> جالب اینکه در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم : من کان ظاهره ارجح من باطنه خف میزانه !: هر کس ظاهرش از باطنش بهتر باشد میزان عملش در قیامت سبک خواهد بود!. <۱۰>

این بحث را با سخنی از سلمان فارسی که در حقیقت چکیده وحی و سنت است پایان می دهیم ، در این حدیث می خوانیم : کسی از طریق تحقیر به سلمان گفت : تو کیستی ؟ و چیستی ؟ ارزشی نداری سلمان در پاسخ گفت :

اما اولی و اولک فنطفه قذره و اما آخری و آخرک فجیفه منتنه فاذا کان یوم القیامه و نصبت

الموازين فمن ثقلت موازينه فهو الكريم و من خفت موازينه فهو اللئيم :

اما آغاز وجود من و تو نطفه آلودهای بوده ، و پایان من و تو مرداری گندیـده بیش نیست ، هنگامی که روز قیامت فرا رسـد و ترازوهای سنجش اعمال نصب گردد، هر کس ترازوی عملش سنگین بود شریف و بزرگوار است ، و هر کس ترازوی عملش سبک بود پست و لئیم است . <۱۱>

خداوندا! ترازوی عمل ما را با محبت محمد و آل محمد سنگین فرما.

پروردگارا! وصول به ((عیشه راضیه)) جز با لطف تو میسور نیست ، خودت در این راه به ما کمک کن .

بارالها! آتش دوزخت سخت سوزان است و ما را تاب تحمل نیست ، آن را با آب مرحمت و کرمت بر ما خاموش گردان .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر یکصد و یکمین بوستان پرطراوت و زیبای قرآن هستیم، و برای آشنایی با آن، به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره در آغاز این سوره با سبک و قالب بدیع و تکاندهنده ای رو به رو می شویم:

الْقارِعَهُ مَا الْقارِعَهُ وَ ما أَدْراکَ مَا الْقارِعَهُ...

آن رویداد کوبنده،

چیست آن رویداد کوبنده؟!

و تو ای پیامبر چه می دانی که آن رویداد کوبنده چیست؟

نام این سوره را از نخستین آیه آن برگرفته و آن را «قارعه» نامیده اند.

۲ - فرودگـاه آن این سوره در مکه و کنـار کهن ترین معبـد توحیـد و تقوا بر جـان گرامی پیامبر فرود آمـده است. این نکته را افزون بر همه مفسران و قرآن پژوهان، لحن و آهنگ آیات و مفهوم و

محتوای آن ها به روشنی گواهی می کند.

۳ - شمار آیه ها و حروف آن این سوره به باور بیشتر مفسران و نیز قاریان کوفه و حجاز دارای یازده آیه است. امّا قاریان بصره و شام همین آیات را هشت آیه شمرده اند. این سوره از ۳۶ واژه و ۱۵۲ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

من قرأها ثقل الله بها میزانه یوم القیامه(۲۷۰)

هر کس این سوره را بخواند، خدا پرونده زندگی اورا در روز رستاخیز به برکت و پاداش تلاوت آن، سنگین می سازد.

و از امام باقر آورده اند که فرمود:

من قرأالقارعه آمنه الله من فتنه الدّجال ان یؤمن به و من قیح جهنم یوم القیامه(۲۷۱)

کسی که سوره «قارعه» را تلاوت کند، خدا او را از فتنه «دجّال» و ایمان و گرایش به او حفظ می کند، و در روز رستاخیز او را از خونابه و چرکابه دوزخ در امان می دارد.

۵ - دورنمایی از محتوای آن محور بحث در آیات روح بخش و تکاندهنده این سوره، رستاخیز و سرای آخرت و معاد و جهان باقی است، و این نکات در آیات کوبنده و اندیشاننده آن به تابلو می رود:

شماری از نشانه های رستاخیز،

وصف آن روز عجیب،

برانگیخته شدن مردگان،

ترازوهای سنجش و سبکی و سنگینی آن ها،

فرجام خوش شایسته کرداران،

سرانجام عبرت انگیز بیدادگران،

۱ - آن [رویداد] کوبنده!

۲ - چیست آن [رویداد] کوبنده؟!

۳ - و تو چه می دانی که چیست آن [رویداد] کوبنده؟!

۴ - روزی است که مردم همچون پروانه های پراکنده اند.

۵ - و کوه ها بسان پشم زده شده رنگین.

۶ – امّا آن کس که کارهای سنجیده شده اش سنگین باشد،

۷ – پس او در زندگی پسندیده ای است؛

۸ – و امّا آن کس که کارهای سنجیده شده اش سبک باشد،

۹ – پس جایگاهش هاویه است.

۱۰ – و تو چه می دانی که آن چیست؟!

۱۱ – آتشی است سوزان!

نگرشی بر واژه ها

قارعه: این واژه به معنی گرفتاری و ناراحتی و رویداد بسیار ناگوار آمده است، که دل را سخت می کوبد و می لرزاند.

این واژه از ریشه «قرع» به معنی کوبیدن چیزی بر چیزی که صدای مهیب از آن برخیزد، آمده است. به همین تناسب است که به چکش «مقرعه» می گویند. از جنگ شدید و درهم کوبیدن موضع یکدیگر، و یا هدف قرار دادن یکدیگر به وسیله دو نفر با شمشیر یا دیگر سلاح های مرگبار جنگی، به «تقارع القوم فی القتال» تعبیر می کنند. واژه «قارعه» نیز از همین ماده است، و همین گونه «قوراع الدهر» که به رویداد و بلای روزگار معنا شده است.

فراش: به معنی ملخ های بسیار – که به صورت گسترده و انباشته شده بر روی هم باشند – آمده است. پاره ای نیز آن را به «پروانه ها» معنا کرده اند. این واژه جمع می باشد و مفرد آن «فراشه» آمده است.

مبثوث: پراکنده و پخش شده. این واژه از ریشه «بثّ» به معنی پراکندن آمده است.

عهن: پشم رنگ شده.

منفوش: پشم زده شده، که به وسیله ابزار ویژه ای حلاجی و گسترده می شود. این واژه از ماده «نفش» به معنی گستردن پشم آمده است.

عیشه راضیه: زندگی خوش و پسندیده.

در اینجا اسم فاعل که «راضیه» باشد به جای اسم مفعول

که «مرضیه» باشد، آمده است، تا نهایت خشنودی را برساند. پاره ای نیز بر آنند که واژه «راضیه» در اینجا به معنی «ذات رضا» آمده است که نشانگر خشنودی صاحبان آن زندگی و نعمت های بهشت است.

هاویه: در اصل به معنی گودال بی نهایت عمیق آمده، و به همین تناسب یکی از نام های دوزخ است. این واژه از ریشه «هوی» به معنی سقوط کردن است.

حامیه: به معنی آتش بسیار سوزاننده آمده است. این واژه از ریشه «حمی» برگرفته شده است.

تفسیر

وصف عجیب رستاخیز

این سوره با آهنگ و سبک ویژه ای آغاز می گردد، و پیش از هر چیز می فرماید:

الْقارِعَةُ

آن رویداد کوبنده،

واژه «قارعه» یکی از نام های قیامت است و بدان دلیل به این نام آمده است که با هراس انگیزی خود، دل ها را می کوبد و تبهکاران و حق ستیزان را با عذاب و کیفر کردارشان درهم می نوردد.

آن گاه در نمایش بزرگی و عظمت آن روز سهمگین و هشدار از رویدادهای آن به سبک تکاندهنده ای می فرماید:

مَا الْقارِعَةُ

آن رویداد کوبنده چیست؟

سپس روی سخن را به بنده بر گزیده بارگاه خدا می کند و می پرسد:

وَ ما أَدْراکَ مَا الْقارِعَةُ

و تو ای پیامبر! چه می دانی که آن رویداد کوبنده چیست؟

روشن است که پیامبر گرامی به طور سر بسته و اجمال از روز رستاخیز و رویدادهای گوناگون آن آگاه است، امّا از ظرافت ها و ریزه کاری ها و گستردگی رویدادهای آن آگاه نیست؛ به همین جهت خدای فرزانه به تدریج در این سوره و در سوره های دیگر قرآن به او آگاهی می بخشد.

در چهارمین آیه مورد بحث در بیان هنگامه

فرارسیدن آن رویداد کوبنده و در وصف آن می فرماید:

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَراشِ الْمَبْثُوثِ

آن رویـداد کوبنـده روزی است که مردم بسـان پروانه هـای پراکنـده، وحشت زده و سـر گردان به هر سو می رونـد، و جهت و هدف خود را گم می کنند.

در آیه شـریفه، مردم در روز رسـتاخیز به موج های ملخ های سـر گردان و پراکنده ای تشبیه شده اند که از وحشت آن روز، به هر سو هجوم می برند و دیوانه وار در آتش ریخته می شوند.

پـاره ای بسـان «قتاده» واژه «فراش» را به پروانه ها معنا کرده انـد، و برخی چون «ابو عبیـده» به پرنـده ای که نه مگس است و نه زنبور. به هر صورت این ملـخ هـا و یـا پروانه هـا هنگـامی که موج آسـا به حرکت و یا پرواز در می آینـد، به گونه ای درهم و برهم می نماینـد که گویی هدف و جهت خود را گم کرده و بی هدف به هر سو می دوند. این تشبیه در آیه نشانگر آن اسـت که مردم پس از زنـده شـدن و سـر بر آوردن از گورهـا از شـدت وحشت و هراس رسـتاخیز بسـان موج ملـخ ها و پروانه ها در هدف ها و جهت های گوناگونی روانند، و بی هدف به هر سو می دوند.

آیه مورد بحث بسان این آیه است که می فرماید:

کانهم جراد منتشر(۲۷۲) در حالی که دیـدگان را از شـدت ترس و دلهره فرو افکنـده انـد، بسان ملخ های پراکنده از گورهای خود سر بر می آورند.

آن گاه در ترسیم وصف دیگری از آن روز بزرگ و هراس انگیز می فرماید:

وَ تَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

و کوه ها بسان پشم زده شده رنگین می شوند.

به بیان روشن تر در آن روز کوه ها از جای خود کنده شده و به حرکت در می آیند، و

به گونه ای روان می گردند که به تدریج از هم فرو می پاشند و به صورت گرد و غباری در می آیند.

در ادامه آیات در ترسیم رویداد دیگری از رویدادهای شگفت آن روز می فرماید:

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ

امّا آن کسی که کارهای سنجیده شده اش سنگین باشد،

در این آیه منظور سنگینی کارهای شایسته و نیک و خداپسندانه انسان هاست.

پس چنین کسی در زندگی خوش و بسیار دل پسندی خواهد داشت.

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ راضِيَةٍ

آن گاه در بیان فرجام کار گروه دیگری از مردم می افزاید:

وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ

و امّا آن کسی که کارهای نیک و شایسته اش ناچیز و سبک باشد،

در قرآن دوبار از «وزن» کارهای شایسته سخن رفته است، اما از وزن و سنجش کارهای زشت و ظالمانه سخن نرفته، چراکه واژه «وزن» به معنی مقام و بها و ارزش است، و می دانیم که گناه و ستم ارزشی ندارد تا از آن یاد شود. با این بیان قرآن روشنگری می کند که قدر و منزلت انسان ها در بارگاه خدا در گرو عملکرد شایسته و بسیاری آن است؛ از این رو هر کسی کارهای نیک اش بیشتر باشد مقامش والاتر است و هر چه سبک باشد مقامش فروتر خواهد بود.

در آیه بعد می افزاید:

فَأُمُّهُ هاوِيَةٌ

پس جایگاه او «هاویه» است.

آری، جایگاه چنین کسی دوزخ و سیاهچال دوزخ و آتش شعله ور آن است.

بدان دلیل در آیه شریفه واژه «امّه» به کار رفته و از جایگاه انسان دوزخی و پلیدکار با این تعبیر یاد شده است، که «مادر»، در حقیقت کسی است که کودک به دامان

او پناه می برد؛ و بدان جهت که سکون و آرامش در کنار مادر و در پناه بردن به آن است، و چون دوزخیان تیره بخت جایگاه و قرارگاهشان آتش شعله ور و سوزان دوزخ و سیاهچال آن است، این گونه تعبیر شده است.

«قتاده» می گوید: در فرهنگ عرب هنگامی که کسی در فشار و سختی دهشتناکی قرار گیرد، گفته می شود: او به مادرش پناه برد؛ و این یک مثال و اصطلاح است.

«ابو صالح» می گوید: این تعبیر بدان دلیل است که گناهکار با سر، در آتش دوزخ سرنگون می گردد؛ و آتش جایگاه سقوط آنان است و آن جایی که گناهکاران سقوط می کنند سیاهچال عمیق و بسیار گودی است که قعر آن ناپیدا ست.

سپس در نشان دادن هراس انگیزی و سختی آن جایگاه و انواع و اقسام عذاب ها و شکنجه های آن می پرسد:

وَ ما أَدْراکَ ما هِیَهْ

و تو ای پیامبر! چه می دانی که «هاویه» چیست؟

روشن است که پیامبر به طور سربسته و اجمال از سرای آخرت و رویدادها و پاداش و کیفر و حساب و بازخواست و بهشت و دوزخ دیگر مسائل آن آگاه است، و در آیه منظور بیان گسترده آن رویدادهاست. واژه «هیه» در اصل «هِیَ» می باشد و «ها» برای وقف آمده است.

و سرانجام در آخرین آیه مورد بحث در تفسیر «هاویه» می فرماید:

نارٌ حامِیَهٌ

آتشی است سوزان و شعله ور، که حرارت آن بسیار سخت و دردناک است.

پرتوی از سوره مباکه در این سوره مبارکه این نکات ارزشمند عقیدتی و تربیتی به تابلو رفته است:

۱ - وصف عجیب آن روز سهمگین در آیات تکاندهنده

و شگفت آور ۵ - ۱ پس از زمینه سازی های معجزه آسا و عجیب، پاره ای از اوصاف و ویژگی های آن روز کوبنده را ترسیم می کنـد، و روشن می سازد که در آن روز بزرگ مردم بسان پروانه هـای پراکنـده، موج آسـا به هر سو می رونـد، و کوه ها همانند پشم زده شده رنگین می شوند...

بدین سان در این آیات به دو مرحله از مراحل تکاندهنده رستاخیز توجه داده می شود:

الف - مرحله ویرانی و فروپاشـی جهان، تیره و تار شدن و فروپاشـیدن خورشید، ماه و ستارگان، و درهم نوردیده شدن زمین و کوه ها و برافروخته شدن دریاها...

ب - و دیگر مرحله پس از آن، که به صورت زنده شدن مردگان و ولادت آنان از رحم زمین و رخ گشودن آفرینش و سرایی دیگر بـا ویژگی ها و شـرایط و مقررات و قوانین و معیارهای خاصّ خود که با مقررات جهان ما سـخت متفاوت است و آن چه از آن جـا وصف می شود و از نعمت هـا و یـا عـذاب و کیفرش خبر می رسـد، به زبان و فرهنگ این جهان است و همین قـدر است که بانگ جرسی می آید.

۲ - میزان عمل و راز سبکی و سنگینی آن

در آیات ۸ - ۶ قرآن شریف روشنگری می کند که یکی از رویدادهای روز رستاخیز موضوع سنجش عملکردهاست.

به هنگـام سـنجش اعمـال شایسـته و زشت و ظالمـانه انسـان بـا ویژگی هـا و معیارهـای سـرای آخرت، میزان اعمـال شایسـته و افتخارآمیز گروهی وزین و سـنگین جلوه می کنـد، و از گروهی دیگر سـبک، و به جای آن وزن گناهان و بیـدادگری هایشان بسیار سنگین می گردد؛ چرا که انسان ها از نظر اندیشه ها و سلیقه ها و عملکردها متفاوت اند

و در نتیجه از نظر پـاداش و کیفر نیز متفاوت و متضاد خواهنـد بود؛ امّا آنچه از آیات و روایات دریافت می گردد برخی کارها باعث سنگینی میزان عمل شایسته انسان می شود که اهم آن ها عبارتند از:

۱ – توحیدگرایی آگاهانه و عاشقانه و هدفدار،

۲ – اخلاص و راستی در کارها،

۳ – رعایت مقررات خدا و برنامه زندگی ساختن دین رحمانی او،

۴ – رعایت کرامت و حقوق مردم،

۵ – الگو و سمبل و سرمشق عمل قرار دادن عترت.

امام باقر فرمود:

من کان ظاهره ارجح می باطنه خّف میزانه.(۲۷۳)

کسـی که برون و ظـاهرش از درون و بـاطن او، و نیز عملکرد آشـکارش از سـیاست هـا و کارهـای نهانش بهتر باشـد، در روز رستاخیز میزان عملش سبک خواهد بود.

۳ – فرجـام شایسـته کرداران و ظالمان و سـرانجام در آیه های ۱۱ – ۷ فرجام خوش و دوست داشـتنی شایسـته کرداران و تیره روزی و نگونساری ظالمان و گناهکاران به تابلو می رود که راستی درس آموز است، ای کاش ما درس می گرفتیم.

بار خدایا، ما را در سرای آخرت و به هنگام سنجش اعمال به چشم مهر و کرامت مورد لطف قرار ده.

تفسیر اطیب البیان

سوره قارعه ، غرض سوره :تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن .

(۱) (القارعه):(آن حادثه کوبنده)

(۲) (ما القارعه):(و چیست آن حادثه کوبنده ؟)

(۳) (و ما ادریک ما القارعه):(و تو چه می دانی که آن کوبنده چیست ؟)

(۴) (یوم یکون الناس کالفراش المبثوث):(روزی که مردم چون ملخ فراری رویهم می ریزند)

(۵) (و تکون الجبـال کـالعهن المنفوش):(و کوهها چون پشم رنگارنـگ حلاـجی شـده می گردنـد)منظور از قـارعه و حـادثه کوبنده

همان قیامت است ، چون دلها را با فزع و هول شدیدو دشمنان خدا را با عذاب سخت ، درهم می کوبد، و منظور از تکرار استفهام ، تعظیم وبزرگ نشان دادن و هول انگیزی در امر قیامت است .در ادامه می فرماید: آن روزیست که مردم مانند ملخهای پراکنده که روی هم ریخته و زمین را فرش کرده اند، در جهات مختلف پخش می شوند وبه سوی منازل ابدی خود(سعادت یا شقاوت) رهسپار می گردند.بعضی مفسران وجه تشبیه مردم در روز قیامت به ملخ را در این امر دانسته اند که ملخ وقتی جست و خیز می کند، بدون هدف به این سو و آن سو می پرد، مردم هم در قیامت از شدت ترس و فزع چنین حالتی دارند و بی هدف ، یا در جستجوی منازل ابدی خود به هر طرف پراکنده می شوند. و در آن روز کوهها مانند پشم رنگارنگ حلاجی شده می گردند، و در این تشبیه اشاره به این مطلب دارد که کوههایی که رنگهای مختلف دارند با زلزله قیامت متلاشی شده و در فضا پراکنده می شوند.

(۶) (فاما من ثقلت موازینه):(اما کسی که اعمالش نزد خدا وزین و با ارزش باشد)

(۷) (فهو فی عیشه راضیه):(او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود)

(۸) (و اما من خفت موازینه):(و اما کسی که اعمالش وزن و ارزشی نداشته باشد)

(۹) (فامه هاویه):(او در آغوش هاویه خواهد بود)

(۱۰) (و ما ادریک ماهیه):(و تو چه می دانی که هاویه چیست ؟)

(۱۱) (نار حامیه):(آتشی سوزنده است)یعنی اعمال هم مانند هر چیزی برای خود وزن و ارزشی دارند

و اعمالی که نزد خداقدر و منزلتی داشته باشند در ترازوی سنجش اعمال سنگین و وزین هستند، (اعمالی مانند ایمان به خدا و انواع طاعات و عبادات) و صاحب چنین اعمالی به تناسب اعمالش در یک زندگی طیب و خوشی بسر خواهد برد، یک زندگی رضایت بخش . و به عکس ،اعمالی مانند کفر و معصیت ، اعمالی هستند که در نزد خدا قدر و منزلتی ندارند و درترازوی سنجش اعمال بی ارزش و خفیف هستند و طبیعتا صاحب چنین اعمالی ،سرانجامش سقوط به سوی اسفل السافلین است ، چون هاویه از نامهای جهنم است و به معنای سقوط می باشد و اینکه آتش جهنم را با نام هاویه توصیف کرده با آنکه آتش سقوط نمی کند، از باب مجاز عقلی است و اینکه هاویه را مادر دوزخیان نامیده از باب این است که مادر مأوای فرزند و مرجع اوست و به هر طرف برود دوباره به دامن مادربر می گردد، جهنم هم برای آنان چنین مرجعی است و در ادامه برای توصیف عظمت وفخامت امر آن آتش ، می فرماید: تو چه می دانی که آن چیست ؟ آن آتشی سوزنده وشدیدالحرارت است .

تفسیر نور

«قارعه» از «قرع» به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است. یکی از نام های قیامت، «قارعه» است، زیرا با صیحه ی کوبنده آغاز می شود و عذاب آن کوبنده است.

در روایات می خوانیم: حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصومش، میزان و معیار سنجش اعمال انسان ها در قیامت هستند. <۱۰۰۵>

شاید دلیل آنکه کلمه «موازین» به صورت جمع آمده، این باشد که کارهای گوناگون انسان با ابزارهای گوناگون سنجیده می شود و هر کار، میزان مخصوص به

خود را دارد.

«موازین» جمع «میزان» به معنای وسیله سنجش است و روشن است که اعمال انسان، امری مادی و دارای وزن و جرم نیست که با ترازوهای معمولی سنجیده شود، بلکه هر دسته از اعمال انسان، معیار سنجش مخصوص به خود دارد.

مادر برای همه کس، مأوی و پناهگاه است، اما در آنجا مادر و پناهگاه گروهی از انسان ها دوزخ است.

«هاویه» از «هَوی به معنای سقوط است و دوزخ، محلّ سقوط گروهی است.

«حامیه» از «حَمی به معنای شدّت حرارت است.

کوه های رنگارنگ در اثر قطعه قطعه شدن و خورد و خاک شدن، مثل پشم زده رنگارنگ می شوند. <<کالعهن المنفوش>> «منفوش» از «نفش» به معنای باز کردن و کشیدن پشم است تا آنجا که اجزای آن از هم بگسلد.<۱۰۰۶>

سبک و سنگینی مخصوص مادیات نیست. لذا به سخنان بی محتوی می گویند: سخن سبک. شاید مراد از <<ثقلت موازینه>> و <<خفّت موازینه>> ارزش و کیفیّت عمل باشد و شاید هم مراد، قلّت و کثرت آن باشد.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: مراد از سبکی عمل، کم بودن عمل و مراد از سنگینی عمل، زیادی آن است. «قلّه الحساب و کثرته»<۱۰۰۷>

شخصی سلمان را تحقیر کرد که تو کیستی و چیستی؟ پاسخ داد: اول من و تو نطفه و آخر من و تو مردار است. این دنیاست، اما در قیامت، «مَن ثقلت موازینه فهو الکریم و من خفّت موازینه فهو لئیم»<۱۰۰۸> هر کس میزان او سنگین باشد، تکریم می شود و هر کس سبک باشد، تحقی

و ملامت خواهد شد.

عموم انسان ها، هم کار خوب و هم کار بد دارند و این طور نیست که برخی از مردم همه کارهایشان خوب و برخی دیگر همه کارهایشان

بـد باشـد. امـا مهم آن است که خوبی هـا بر بـدی هـا غلبه کنـد. به تعـبیر قرآن: <<ثقلت موازینه>> یعنی کفّه ی خوبی ها سنگین تر از کفّه بدی ها

شد که در این صورت بهشتی است. اما اگر کفّه ی خوبی ها سبک تر باشد، <<خفّت موازینه>> سرانجامش دوزخ است.

۱- قیامت، کوبنده مستکبران و روحیه های متکبّرانه است. <<القارعه ما القارعه>>

۲- قیامت فراتر از فکر بشر است. حتی پیامبر بدون بیان الهی از آن خبر ندارد. <<و ما ادراک ما القارعه>>

۳- قیامت روز تحیّر و سرگردانی بشر است. <<کالفراش المبثوث>>

۴- بهشت را به بها دهند نه بهانه. <<من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه>>

۵ - زنـدگیِ سراسـر شاد، مخصوص قیامت است. زیرا در دنیا در کنار کامیابی ها، دغدغه بیماری، سـرقت، حسادت، از دسـت دادن و گذرا بودن هست. <<عیشه راضیه>>

۶- رضایت از زندگی، از نشانه های جامعه بهشتی است. <<فهو فی عیشه راضیه>>

۷- مبنای کیفر و پاداش، عمل است که با ترازوی عدل سنجیده می شود. <<ثقلت موازینه... خفّت موازینه>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

The dawn of the day of resurrection and judgement has been described in al Ghashiyah and al Zilzal. A tremendous stunning noise will be heard before the day of judgement. The whole of the present order of existence will be overthrown. All our present landmarks will be lost. It will inaugurate a new existence of true and permanent values, in which every human deed will have its just recompense as if weighed in balance, as stated in verses ۶ to ۹ below.

No one can have the idea of the confusion, distress and helplessness with which men will find themselves overwhelmed on the day of judgement,

because nothing even near to the terrible convulsion has ever been experienced by man on the earth. Moths are frail light things. To see them scattered about in a violent storm gives some idea of the nature of calamity men will encounter on the day of judgement when the mountains will scatter about like flakes of carded wool. See Ma-.arij:٩

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

The good deeds of the believers will be weighed and assessed. The assessment will be just, strictly corresponding to motives, temptations, provocations, surrounding conditions, the degree of faith in Allah, repentance and subsequent amends and the relevant connected circumstances. Those whose good works predominate over their evil deeds will receive a favourable judgement and they will be admitted to the .eternal life of bliss and satisfaction

Those whose good works do not counterbalance their evil deeds will have their .abodes in a bottomless pit, the abyss, described in the next two verses

(see commentary for verse ۶)

(see commentary for verse ۶)

(see commentary for verse ۶)

.The abyss is a blazing fire. Only those who will be thrown in it will know its fierce fury

(see commentary for verse ١٠)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

